

بررسی و نقد شبهه ناسازگاری آیات مربوط به مدت آفرینش آسمان و زمین

محمدابراهیم روشن ضمیر*

استادیار علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

سید ابوالقاسم حسینی زیدی**

استادیار فقه و اصول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹)

چکیده

از آغازین روزهای نزول وحی، دشمنان با طرح شبهاتی درصدد القای ناهماهنگی و تناقض آیات قرآن بودند، ولی در دو قرن اخیر، با گسترش مطالعات خاورشناسان درباره اسلام که در رأس آنان گلدزیهر، نولدکه و... قرار دارند، به شبهه ناهماهنگی آیات دامن زده شد و این موضوع دستمایه انکار وحیانی بودن قرآن گردید. یکی از موارد توهم تناقض در قرآن این است که خداوند در هفت آیه از قرآن کریم می‌فرماید: زمین و آسمان در طول شش روز آفریده شده‌اند. اما از آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت چنین برمی‌آید که آفرینش زمین و آسمان هشت روز به طول انجامیده‌است. مفسران در پاسخ این شبهه، شش پاسخ ارائه کرده‌اند که در پژوهش حاضر به سبک مسئله‌محور، با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی، دو مورد به عنوان جواب نهایی پذیرفته شده‌است: ۱- مراد از چهار روز اندازه گیری اقوات در آیات چهارگانه سوره فصلت، تنها آفرینش گیاهان و حیوانات و غذاها نبوده‌است تا با چهار روز آفرینش زمین و آسمان، هشت روز شود، بلکه دو روز مربوط به آفرینش زمین و دو روز مربوط به آفرینش غذاها و گیاهان می‌باشد که به اضافه دو روز مربوط به آفرینش آسمان‌ها، مجموعاً شش روز (دوران) می‌شود. ۲- در آیات سوره فصلت، تنها به آفرینش زمین در دو روز تصریح شده‌است. لذا از واژه «خلق» استفاده شده، اما به آفرینش آسمان و میان آن اشاره‌ای نشده‌است و از این رو، از واژه «قسی» استفاده شده‌است.

واژگان کلیدی: قرآن، آفرینش زمین و آسمان، تناقض، شبهه.

* E-mail: Roushan1344@yahoo.com

** E-mail: Abolghasem.6558@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از وجوه مشترک همه ادیان ابراهیمی این است که بر این باورند خداوند بشر را از طریق دستورهایی که در قالب کتاب بر پیامبران نازل کرده، راهنمایی کرده است. اما کتاب مقدس مسلمانان تمایز آشکاری با کتاب‌های سایر ادیان آسمانی دارد. قرآن نه تنها در بر دارنده آموزه‌ها و دستورهای دینی است که خود بزرگترین معجزه خداوند و مهم‌ترین نشانه‌ها راستی و درستی دعوت نبی مکرم اسلام (ص) است. افزون بر این، معجزات سایر انبیا، بیشتر جنبه عینی و حسی داشته است تا عقلی، مانند اژدها شدن عصا و پدیدار شدن ناقه صالح و ... اما معجزه مهم پیامبر اسلام، جنبه عقلی داشت (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۶). از این روست که از همان آغاز ظهور اسلام، اعجاز قرآن مورد توجه ویژه مسلمانان و مخالفان قرار گرفت. پیش از بیان اصل مسئله، شایسته است به گونه اختصار، معنی و مفهوم لغوی و اصطلاحی اعجاز روشن شود.

۱- اعجاز در لغت و اصطلاح

از آنچه واژه‌شناسان در بیان معنای واژه «اعجاز» در فرهنگ‌ها آورده‌اند، چنین برمی آید که دو معنای اصلی دارد: ۱- ضعف و ناتوانی در انجام کار (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۳۸۷: ۷۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۲۵۱۱؛ مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۸: ۴۳؛ الجوهری، بی تا، ج ۲: ۸۸۳ و فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۴۳). ۲- آخر و انتهای هر چیز. ولی در عرف، در ناتوانی بر انجام دادن چیزی اصطلاح شده است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۳۸۷: ۷۱۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۴۴؛ الجوهری، بی تا: ۸۸۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۴۷ و مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۸: ۴۳).

از مجموع تعریف‌های اندیشمندان مسلمان درباره اعجاز برمی آید که معجزه در اصطلاح سه ویژگی دارد (ر.ک؛ الطریحی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۵؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۱۱؛ خوئی، ۱۳۹۵: ۴۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۷۳؛ معرفت، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۱؛ طوسی، ۱۴۰۰ق: ۱۵۵ و محقق حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۱). الف) اعجاز انجام کارهای خارق‌العاده

است، نه انجام کارهایی که عقلاً محال است. ب) مطابق با ادعا و دلیل بر صدق ادعای پیامبری باشد. ج) همراه با تحدی و مصون از معارضه باشد.

۲- استواری بیان و نداشتن اختلاف

از آنجا که اعراب جاهلی پیوسته با ادبیات فصاحت و بلاغت سروکار داشتند و تمام فکر و توجه آنان معطوف به لغت و اسلوب‌های آن بوده‌است و در سایر علوم در نهایت ضعف و غایت انحطاط بودند، جنبه اعجاز قرآن، بیشتر در فصاحت و بلاغت برای آنان ملموس و قابل درک و فهم بود، ولی این بدان معنا نیست که اعجاز قرآن فقط منحصر به همان فصاحت و بلاغت بوده‌است (ر.ک؛ بلاغی، بی تا، ج ۱: ۴). اعجاز قرآن کریم در ساحت‌های مختلفی به اثبات رسیده‌است. یکی از ابعاد مهم اعجاز قرآن، بیان استوار و بدون اختلاف آن است. گویش قرآن به گونه‌ای یکنواخت و در سطحی بالا قرار گرفته‌است و از هر گونه اختلاف یا تضاد در گفتار به دور است.

هرچند هر سخن و متنی، اعم از دینی و غیردینی، آنگاه حکیمانه تلقی خواهد شد که سازواری و هماهنگی درونی و عاری از تناقض داشته باشد، اما با توجه به شرایط خاص نزول قرآن، نداشتن تناقض و هماهنگی درونی قرآن، نشان از اعجاز آن دارد. با آنکه قرآن به صورت پراکنده در زمان‌های متفاوت و جاهای مختلف و مناسبت‌های گوناگون و در بستر زمانی نسبتاً طولانی نازل گردیده‌است و در بسیاری از موارد، برخی قضایا را مکرراً به جهات مختلف بیان داشته، ولی هیچ‌گاه اختلاف و تضادی در گفتارش رخ نداده‌است. این در حالی است که اگر قرآن به وسیله بشر آورده می‌شد، عاری از اختلاف و تناقض نبود؛ زیرا افکار و روحیه انسان در شرایط مختلف زمانی و مکانی متغیر بوده، به همین دلیل از حوادث خارجی تأثیرپذیر است؛ به عبارت دیگر، شرایط مختلف خارجی که روزه‌روز دگرگون می‌شود، گاه صلح و زمانی جنگ، گاه پیروزی و موقعیت شکست و خلاصه، حالات غنا و احتیاج، قوت و ضعف، دوره‌های ضعف علمی و فکری و نیز مراحل رشد، تکامل و تجربه امور روزه‌روز عقیده او را دگرگون می‌نماید. مخصوصاً افرادی که در حوادث و کوران بزرگ سیاسی اجتماعی و

مذهبی سیر می‌کنند؛ آن هم حوادث بزرگی که زمینه‌ساز یک انقلاب بزرگ فکری، اعتقادی و اجتماعی همه‌جانبه را پایه‌ریزی می‌کند، نمی‌تواند در مدت زمان طولانی گفتارشان یکسان باشد، به‌ویژه اگر درس نخوانده و عامی باشد و آن هم با توجه به تأثیرپذیری از یک محیط عقب‌افتادهٔ جاهلیت که پیامبر چهل سال در آن محیط پرورش یافته، به مکتب نرفته و درس نخوانده‌است (ر.ک؛ رضائی، ۱۳۸۳: ۶۸-۷۸).

همین امر نشان‌گر آن است که قرآن کریم از جانب خداوند وحی شده‌است و خداوند به این استدلال در سورهٔ نساء تصریح فرموده‌است: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ آیا دربارهٔ قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند ﴿النساء/۸۲﴾. قرآن در آیات دیگری به این واقعیت اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ﴾ (این کتاب) قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی ﴿الزمر/۲۸﴾؛ ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید ﴿فصلت/۴۲﴾.

۳- تناقض

از گفتهٔ لغت‌شناسان چنین برمی‌آید که در معنای واژهٔ «نقض»، باطل شدن، فاسد شدن و از هم گسستن گنجانده شده‌است و «نقض» ضد «عقد» است؛ چنان‌که گفته می‌شود: «نقضت البناء والحبل والعقد: در هم شکستن ساختمان، ریسمان و گره را». خلیل می‌گوید: «المناقضة في الشعر» زمانی گفته می‌شود که شاعری با شعر خود، شعر دیگری را «نقض» کند (ر.ک؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۶۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۲۷).

معنای «تناقض» در اصطلاح اهل منطق این است که هرگاه نسبت دو قضیه به گونه‌ای باشد که همواره از صدق یکی، کذب دیگری، و از کذب دیگری، صدق دومی لازم آید، می‌گویند رابطهٔ بین آن دو «تناقض» است؛ مثلاً «هر انسانی حیوان است و بعضی انسان‌ها حیوان نیستند» (مظفر، ۱۴۱۵ق: ۲۶۴؛ غرویان، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

شایسته یادکرد است که منظور از تعارض و تناقض به کار رفته در این مقاله، معنای اصطلاحی آن‌ها نیست، بلکه منظور، مطلق تعارض، ناسازگاری و ناهمگونی است.

۴- پیشینه توهم تناقض در قرآن

از همان دوران پیامبر اکرم^(ص) بود که معارضان ایشان تلاش در مخفی نمودن حقایق و باطل کردن آثار فراوان آیات قرآن در قلب‌های مردم داشتند، اما به سبب ناتوانی آن‌ها و اقبال مردم به شنیدن آیات قرآن، سران مشرکان چاره‌ای ندیدند تا شنیدن قرآن را تحریم، و مردم و مسافران مکه را از شنیدن آن منع کنند.

در همین راستا، به منظور به وجود آوردن وحشت و دور نمودن افراد از پیرامون پیامبر اکرم^(ص)، اتهاماتی به آن حضرت مطرح نمودند و ایشان را مجنون (الطور/ ۲۹ و ۱۵؛ القلم/ ۵۱ و الصافات/ ۳۶) کاهن (الطور/ ۲۹) شاعر (الصافات/ ۳۶)، کاذب و مفتر (النحل/ ۱۰۱) می‌خواندند. علاوه بر این، قرآن را اسطوره و افسانه (النحل/ ۲۴) می‌نامیدند.

همچنین، در عصر ائمه اطهار^(ع)، با اشاعه و ترویج مفاهیم قرآن، روند افتراء و نسبت کذب به آن و شک نمودن در و حیانی بودن آن ادامه پیدا کرد و یا حتی موجب ایجاد شبهاتی در قلوب بعضی از مردم شد. پاسخ ائمه^(ع) و یارانشان به سؤالاتی درباره تناقضات قرآن، بیانگر مطرح بودن این موضوع در آن دوران است که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) مردی محضر امیرالمؤمنین علی^(ع) آمد و عرض کرد که من در کتاب الهی به شک افتاده‌ام. وقتی حضرت از علت آن پرسید، گفت: چون برخی آیات یکدیگر را تکذیب می‌کنند، پس چگونه در آن شک نکنم. حضرت فرمود: آیات قرآن یکدیگر را تصدیق می‌کنند، نه تکذیب! ولی عقل تو به اندازه‌ای نیست که بتوانی از آن بهره‌مند شوی. پس آنچه را که در آن از کتاب خدای عزوجل شک کرده‌ای بیاور و موارد شک خود را بگو (تا پاسخ گویم). وی آیات زیادی را بیان کرد و شبهات را برشمرد و امام^(ع) پاسخ لازم را داد (ابن بابویه قمی، بی‌تا: ۲۵۵). در این حدیث، شبهات و آیات زیادی که موهم تناقض‌اند، بیان شده‌است.

ب) مردی خدمت امیرمؤمنان علی^(ع) رسید و گفت اگر در قرآن شما اختلاف و تناقض نبود، هر آینه من داخل در دین شما می شدم. حضرت فرمود: آن موارد را بگو. همه را گفت و امام به آن‌ها پاسخ داد. وقتی شبهاتش رفع گردید، اسلام را پذیرفت (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۵۸). می توان گفت این حدیث از جامع ترین احادیثی است که بسیاری از شبهات و آیات موهم تناقض را به همراه پاسخ در خود جای داده است.

این شبهات به طور پراکنده و غیرمنسجم همواره مطرح بوده است، اما در دو قرن اخیر، با گسترش مطالعات خاورشناسان دربارهٔ اسلام که در رأس آنان، گلدزیهر، نولدکه و... قرار دارند، به این موضوع دامن زده شد و این موضوع دستمایهٔ انکار و حیانی بودن قرآن گردید.

۵- علل توهم ناسازگاری برخی آیات

برخی از ناسازگاری‌های ادعایی در قرآن، ناشی از ناآشنایی با قواعد محاورات عقلایی یا نادیده گرفتن آن‌هاست که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می شود.

۱-۵) تفسیر به رأی (رعایت نکردن معیارها و ملاک‌های لازم در تفسیر)

توجه نکردن به قواعد و معیارهایی که در تفسیر قرآن رعایت و شناخت آن‌ها ضروری است، به خطا و اشتباه در درک مراد جدی خداوند خواهد انجامید و ناگزیر توهم ناسازگاری در برخی آیات را پدید خواهد آورد.

شناخت عام و خاص، مطلق و مقید، اطلاع از قراین پیوسته و ناپیوستهٔ آیات، آگاهی از ارتباط آیات با یکدیگر، شیوهٔ عقلایی در بررسی همهٔ آیات و برخورد گزینشی نکردن، شناخت سیاق، توجه به تغییرات معنایی کلمات، به ویژه با توجه به فاصله گرفتن از اوضاع و شرایط زمان نزول و... لازمهٔ شناخت درست آیات است و بدیهی است بی توجهی به این موارد، آگاهی از مفاد استعمالی آیات را مشکل می نماید و توهم ناسازگاری آیات را در پی خواهد داشت.

۲-۵) نادیده گرفتن وجوه و نظایر واژه‌های قرآنی

یکی از علل توهّم دو گانه‌گویی و تعارض در برخی آیات قرآن کریم، وجود کلمات و واژه‌هایی است که در قرآن به کار رفته‌است و وجوه و اعتبارات گوناگونی دارد. انسان اگر این وجوه را با توجه به سیاق آیات، روایات تفسیری معصومان^(ع)، شواهد و قراین عقلی و... را شناسایی نکند، به حقیقت تفسیر آیه دست نیافته، معنای سره از ناسره را در نخواهد یافت و در نتیجه، آیات قرآن را متعارض خواهد پنداشت؛ به عنوان نمونه، در آیه ﴿ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ﴾ پس شما بازگردانده خواهید شد به سوی خداوند که مولای به حق همه انسان‌هاست ﴿(الأنعام / ۶۲)﴾، مفاد این آیه اثبات ولایت خداوند متعال برای همه بشریت به شکل فراگیر است. این در حالی است که در آیه دیگر، یعنی ﴿وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ اما کافران مولایی ندارند! ﴿(محمد / ۱۱)﴾، ولایت خداوند را ویژه مؤمنان می‌داند. در نگاه آغازین، بین این دو آیه، توهّم تعارض و دو گانه‌گویی می‌رود. حل این ناسازگاری ظاهری در گرو توجه به وجوه متفاوت کلمه «مولی» است که در دو آیه به یک معنی به کار نرفته‌است. در آیه اول، به معنی ولایت عامه خداوند یعنی خالقیت و تدبیر است و در آیه دوم، ولایت خاصه خداوند، یعنی حمایت‌های ویژه از مؤمنان است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۴۲۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۸: ۲۳۰-۲۳۱).

۳-۵) توجه نکردن به کاربرد مجازی برخی واژه‌ها

بدون تردید در همه زبان‌ها از جمله زبان عربی، همچنان که واژه‌ها در معنای حقیقی خود به کار می‌روند، در معنای مجازی نیز کاربرد دارند. از آنجا که قرآن به زبان عربی نازل شده، برخی واژه‌های آن کاربرد مجازی دارند. یکی دیگر از علل توهّم ناسازگاری آیات قرآن، عدم بازشناسی کاربرد مجازی واژه‌ها از کاربرد حقیقی آن‌هاست.

ناسازگاری آیاتی که اشاره به دیدن خداوند در قیامت دارد، مانند: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ (القیامة / ۲۲-۲۳) و آیه ﴿عَلَىٰ أُنُورٍ يَنْظُرُونَ﴾

(المطففین/۲۳) با آیاتی که دیدن خداوند را به طور مطلق نفی می‌کند؛ مثل ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام/۱۰۳)، با توجه به اینکه واژه «نظر» در دو آیه اولی در معنی مجازی آن، یعنی انتظار رحمت به کار رفته است، برطرف می‌شود.

۴-۵) توجه نکردن به آیات محکم و متشابه

هرچند در بازشناسی معنای محکم از متشابه اختلاف نظرهایی بین دانشمندان علوم قرآنی وجود دارد، اما بی‌تردید تمسک و استدلال به آیات متشابه، بدون ارجاع آن‌ها به آیات محکم، از علل توهّم تعارض در برخی آیات است.

۵-۵) توجه نکردن به آیات ناسخ و منسوخ

به رغم اینکه بین دانشمندان علوم قرآنی و مفسران درباره تعداد آیاتی که نسخ شده‌اند، اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما نسخ آیه یا آیاتی از قرآن پذیرفته همگان است. تفسیر آیات منسوخ بدون توجه به آیات ناسخ، از عواملی است که توهّم ناسازگاری آیات را در پی دارد. بر پایه آیه ﴿وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمُ وَيَدْرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (البقره/۲۴۰)، عده زنی که همسرش از دنیا رفته، در زمان جاهلیت یک سال بود و وارث میت حق نداشت زن را از خانه‌اش خارج کنند و در این مدت، یک سال آن زن را از ماترک شوهرش بهره‌مند می‌ساختند و همین ارث آن زن از اموال شوهرش به حساب می‌آمد (معرفت، ۱۴۲۸ق.، ج ۱: ۴۴۵). در آیه دیگر نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمُ وَيَدْرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...﴾ (البقره/۲۳۴). بر پایه این آیه، عده زنانی که شوهرانشان وفات می‌کنند، چهار ماه و ده روز است. ناسازگاری ابتدایی این دو آیه با توجه به اینکه آیه دوم، ناسخ آیه اول است،

از بین می‌رود (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۲۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۴۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۲۲۸ و فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۶: ۴۹۲).

۶-۵ نادیده گرفتن تفاوت زمان و جایگاه

نادیده گرفتن تفاوت زمان و جایگاه باعث می‌شود شنونده یا خواننده تصور کند میان دو موضوع ناسازگاری وجود دارد؛ به عنوان نمونه، قرآن در سوره اعراف از پرسش از انسان‌ها در قیامت سخن به میان می‌آورد: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ: البته از کسانی که پیامبر برایشان فرستادیم و نیز از پیامبران پرسش خواهیم کرد﴾ (الأعراف / ۶) و در جای دیگر پرسش از انسان‌ها در قیامت را نفی می‌کند: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ: پس در آن روز از گناه انس و جن سؤال نشود﴾ (الرحمن / ۳۹). در نگاه اول، بین دو آیه فوق توهم دوگانه گویی می‌رود، در حالی که این آیات مربوط به ایستگاه‌های و گذرگاه‌های مختلف قیامت است، چنانکه بسیاری از مفسران گفته‌اند (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۹: ۱۱۸-۱۱۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲۷-۲۸: ۱۴۱).

۷-۵ توجه نکردن به اختلاف در نسبت فعل (یا به جهت وجه عمل)

یکی از علل توهم تعارض در برخی آیات قرآن، اختلاف در نسبت فعل است. توضیح آنکه خداوند در برخی آیات قرآن یک فعل را به عبد نسبت داده است و بار دیگر همان فعل را از او سلب کرده، به خود نسبت داده است! درک نکردن رابطه این دو نسبت، باعث اتهام قرآن به تناقض گویی شده است؛ به عنوان نمونه، در آیه ﴿فَلَمَّ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: ای مؤمنان! نه شما، بلکه خدا کافران را کُشت. ای رسول! چون تو تیر نینداختی، بلکه خدا پرتاب کرد﴾ (الأنفال / ۱۷). توضیح اینکه خداوند در این آیه، یک جا پرتاب تیر را به پیامبر نسبت داده است و بار دیگر این نسبت را از پیامبر سلب نموده، به خود اسناد می‌دهد. در نگاه بدوی، در این آیه

ناسازگاری به نظر می‌رسد، اما از آنجا که این دو نسبت در طول هم هستند، ناسازگاری وجود ندارد.

۸-۵) توجه نکردن به اجمال و تفصیل

از آنجا که قرآن متنی گفتاری است و نه نوشتاری، و آیات آن در طول بیست و سه سال در مناسبت‌های گوناگون نازل شده‌است، مطالب آن دسته‌بندی موضوعی ندارد و این گونه نیست که این کتاب تمام سخن خود درباره یک موضوع را یکجا و در فصل معینی بیان کرده باشد، بلکه در هر صفحه‌ای از آن و گاه در هر آیه‌ای از آن، از موضوعات متعدد و مطالب گوناگون به اجمال و تفصیل سخن به میان آورده‌است. روشن است زمانی که گوینده در صدد بیان موضوع به طور کلی است، جزئیات بیان نمی‌شود و اگر برخی از جزئیات هم بیان شود، برای بیان برخی از مصادیق است.

در آیه ﴿قُلْ أَلَذَّكَّرِينَ حَرَّمَ أَمْ الْأَنْثِينَ أَمْ أَسْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثِينَ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنعام/ ۱۴۴)، حرام‌ها در چهار چیز (مردار، خون ریخته، گوشت خوک و قربانی که در هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شده) منحصر شده‌است و روشن است که محرمات منحصر در این چهار چیز نیستند و در آیات دیگر به حرام بودن چیزهای دیگری، همچون حیوان خفه شده (المائدة/ ۳)، شراب، قمار (المائدة/ ۹۰) و... اشاره شده‌است. با توجه به این نکته که این آیه در صدد بیان همه چیزهای حرام نیست، بلکه در صدد بیان آن چیزهایی است که مشرکان از پیش خود و بدون دلیل و حجت شرعی حرام کرده بودند، تعارض آن بر طرف می‌گردد.

عوامل دیگری مانند ذکر شکل‌ها و مراحل مختلف یک چیز، اختلاف موضوع، اختلاف در معانی حقیقی و مجازی، توجه نکردن به عام و خاص یا مطلق و مقید، غرض‌ورزی، آگاه نبودن به قوانین علم منطق و... هم درباره علت توهم ناسازگاری آیات قرآن بیان شده‌است که این مختصر گنجایش پرداختن به تمام این علت‌ها و بیان مصادیق

آن را ندارد (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق.، ج: ۲؛ ۵۴؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق.، ج: ۲؛ ۱۰؛ معرفت، ۱۴۲۳ق.؛ ۲۴۹؛ ربیع نتاج، ۱۳۸۱: ۲۲۶).

۶- شبهه تناقض در خلقت آسمان و زمین^۱

در هفت آیه از آیات قرآن کریم، از آفرینش آسمان و زمین در مدت شش روز سخن به میان آمده است:

۱- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾: پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید. سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و خورشید، ماه و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پربرکت (و زوال‌ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است! ﴿(الأعراف/۵۴).

۲- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾: پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید. سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت و به تدبیر کار (جهان) پرداخت. هیچ شفاعت‌کننده‌ای جز با اذن او نیست. این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید! آیا متذکر نمی‌شوید؟! ﴿(یونس/۳).

۳- ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا نَمُوتُ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾: او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او بر آب قرار داشت. (به سبب این آفرید) تا شما را بیازماید که کدام

یک عملتان بهتر است! و اگر (به آن‌ها) بگویید: شما بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید، مسلماً کافران می‌گویند: این سحری آشکار است! ﴿هود/۷﴾.

۴- ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا﴾ همان (خدایی) که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [شش دوران] آفرید. سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است. از او بخواه که از همه چیز آگاه است! ﴿الفرقان/۵۹﴾.

۵- ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو است، در شش روز [شش دوران] آفرید. سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت. هیچ سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای برای شما جز او نیست. آیا متذکر نمی‌شوید؟! ﴿السجده/۴﴾.

۶- ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ مَا آسَمَانُهَا وَزَمِينِ وَأَنْجَحَهُ رَادِرَ مِيَانِ أَنْهَاسَتِ، دَرِ شَشِ رُوزِ [شش دوران] آفریدیم و هیچ‌گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده کردن مُردگان برای ما مشکل است؟! ﴿ق/۳۸﴾).

۷- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید. سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت). آنچه را در زمین فرومی‌رود، می‌داند و آنچه را از آن خارج می‌شود، آنچه از آسمان نازل می‌گردد و آنچه به آسمان بالا می‌رود و هر جا باشید، او با شما است؛ و خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید، بیناست! ﴿الحديد/۴﴾.

اما در سوره فصلت بیان شده که خلقت زمین و آسمان هشت روز به طول انجامیده است:

﴿قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ * ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّاهُنَّ سَمَواتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید، کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می‌دهید؟! او پروردگار جهانیان است! * او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود. این‌ها همه در چهار روز بود! درست به اندازه نیاز تقاضاکنندگان! * سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود. پس به آن و به زمین دستور داد: به وجود آید (و شکل بگیرید)؛ خواه از روی اطاعت و خواه اکراه! آن‌ها گفتند: ما از روی طاعت می‌آیم (و شکل می‌گیریم)! * در این هنگام، آن‌ها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغ‌هایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهاب‌ها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم. این است تقدیر خداوند توانا و دانا! ﴿(فصلت/۹-۱۲).

در آیات فوق، آفرینش زمین در دو روز، آفرینش کوه‌ها، برکات و غذاها را در چهار روز و در دنباله این آیات، آفرینش آسمان‌ها را نیز در دو روز ذکر شده که مجموعاً هشت روز می‌شود! حال، چگونه می‌توان بین این آیات جمع کرد؟!

۱-۶) پاسخ به شبهه تناقض در خلقت آسمان و زمین

شش آیه‌ای که مربوط به آفرینش آسمان‌ها و زمین در شش روز (شش مرحله) است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۷۲)، به قدری روشن و صریح است که جای توجیه و یا اراده خلاف ظاهر باقی نمی‌گذارد. حال باید دید که آیا آیات سوره فصلت با آفرینش آسمان و زمین در مدت شش روز سازگار است یا خیر؟

مفسران در جواب به این شبهه و برطرف کردن تعارض ظاهری، راه حل‌هایی را ارائه کرده‌اند:

پاسخ اوّل

آنچه باعث توهم تناقض آیات سوره فصلت با آیات مربوط به آفرینش آسمان و زمین در مدت شش روز شده، این است که در چهار آیه سوره فصلت، سه عدد درباره آفرینش آسمان و زمین بیان شده است: «۲، ۴ و ۲» که ظاهراً به هیچ وجهی امکان ندارد از آن رقم شش را نتیجه‌گیری نمود. روشن است که ادعای ناسازگاری این دو دسته از آیات در صورتی درست است که این عددها را از عده‌ای پس و پیش خود مستقل بدانیم. اما اگر عددهای بیان شده در سوره فصلت را مستقل ندانیم و بگوییم عدد چهار در این آیات، یک عدد مستقل نبوده است و به مجموع و تمام مراحل اشاره دارد، دیگر ناسازگاری وجود نخواهد داشت. در نتیجه، مراد از «أربعة أيام: چهار روز»، تتمه چهار روز می‌باشد (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۹: ۱۰۸ و طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۱۶)؛ بدین صورت که در دو روز ابتدایی از این چهار روز، زمین خلق شده است و در دو روز بعدی، سایر ویژگی‌های زمین آفریده شده که به اضافه آفرینش آسمان‌ها در دو روز، مجموعاً شش روز (شش دوران) می‌شود. در ادامه این آیه، عبارت «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي يَوْمَيْنِ» نیامده است تا اشاره به اتصال دو روز آفرینش اقوات به دو روز آفرینش زمین داشته باشد (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۱۸۸؛ رازی، ۱۴۰۸ق.، ج ۲۷: ۵۴۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۴۳۰ و بیضاوی، ۱۴۱۸ق.، ج ۵: ۶۷)؛ چنانکه صاحب کشف هم به چنین مطلبی تصریح دارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۱۸۸ و فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۷: ۵۴۵). این کلام از قبیل آن است که کسی بگوید: «از بصره تا بغداد در مدت ده روز و تا کوفه پانزده روز سیر کردم»؛ یعنی تتمه پانزده روز که پنج روز است^۲. البته باید اذعان کرد اگر آیات متعددی که بر آفرینش آسمان و زمین در شش روز دلالت دارد، نمی‌بود، شاید چنین تفسیری قابل قبول نبود، ولی از آنجا که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند و قرینه برای هم می‌شوند، چنین تفسیری به راحتی پذیرفته

خواهد بود (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۲۴؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۸: ۲۳۴ و صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۶: ۲۲).

بنابراین، بر پایه این تفسیر مشهور در میان مفسران، آیه تقدیر دارد؛ مانند: «كُلُّ ذَلِكُ فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ». به این معنا که خلقت همه آن‌ها، اعم از آفرینش زمین و تمام آنچه در زمین است، در چهار روز صورت پذیرفته است و روشن است که تقدیر گرفتن کلمه یا جمله با قرینه، در ادبیات عرب رایج است؛ مانند آنکه در سوره یوسف آمده است: ﴿وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ: از روستا پرسید﴾ (یوسف/۸۲)، در حالی که از قرینه حالیه مشخص است که پرسش از روستا نیست، بلکه از اهل روستاست. لذا تقدیر گرفتن «كُلُّ ذَلِكُ» به واسطه قرینه آیات دیگر است.

شایان ذکر است که قرینه‌ای در آیه ۱۰ سوره فصلت وجود دارد که این پاسخ را که آفرینش زمین و آفرینش مواد غذایی روی هم رفته چهار روز به طول انجامیده است، تقویت می‌کند؛ زیرا در این آیه آمده است: ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا...﴾ از آنجا که کوه‌ها بخشی از زمین را تشکیل می‌دهند و نیز از آنجا که پایه کوه‌ها در عمق زمین قرار دارد، روشن می‌شود که آفرینش کوه‌ها همراه با آفرینش زمین بوده است. در نتیجه، نیازی نیست برای فهم این آیات، چیزی را در تقدیر بگیریم. این قرینه آنگاه تقویت خواهد شد که توجه کنیم در آیات دیگری نیز از آفرینش زمین و کوه‌ها با هم سخن به میان آمده است.

- ﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا...: و او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوه‌ها و نه‌هایی قرار داد...﴾ (الرعد/۳).

- ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ: و زمین را گسترده و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم﴾ (الحجر/۱۹).

- ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ...: و زمین را گسترده دادیم و در آن کوه‌هایی عظیم و استوار افکندیم...﴾ (ق/۷). برخی آیات دیگر اشاره دارند که کوه‌ها جزء زمین هستند (لقمان/۱۰ و المرسلات/۲۷).

پاسخ دوم

علامه طباطبائی بعد از اشکال به راه حل مشهور می‌نویسد:

«انصاف قضیه این است که آیهٔ شریفه یعنی جمله ﴿وَقَدَّرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ﴾ ظهورش در غیر آن چیزی است که مفسران گفته‌اند: قرآینی که در پیرامون آن هست، تأیید می‌کند که مراد از تقدیر اقوات زمین در چهار روز، تقدیر آن در چهار فصل است که برحسب ظاهر حس به دنبال میل شمالی و جنوبی خورشید پدید می‌آید. پس ایام چهارگانه، همان فصول چهارگانه است. اما ایامی که در این آیات برای خلقت آسمان‌ها و زمین آمده، چهار روز است: دو روز برای خلقت زمین و دو روز برای به پا داشتن آسمان‌های هفتگانه، بعد از آن که دود بود و ایامی که در آن اقوات درست شده، ایام تقدیر اقوات است، نه خلقت آن‌ها، و آنچه که در کلام خدای تعالی مکرر آمده، این است که خدای تعالی آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده است، نه مجموع خلق و تقدیر را. پس حق این است که ظرف مزبور تنها قید برای جمله اخیر است و دیگر نه حذفی لازم می‌آید و نه تقدیری و مراد بیان تقدیر ارزاق زمین در چهار فصل سال است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۷: ۳۶۴؛ نیز ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۱۱۱۰).

این تفسیر از چند جنبه اشکال دارد. اولاً هماهنگی واژه‌های به کار رفته در آیه را از بین می‌برد؛ چراکه در باب آفرینش زمین و آسمان، «یوم» به معنای دوران پیدایش است، اما دربارهٔ آفرینش خصوصیات زمین و مواد غذایی، «یوم» به معنی فصول سال است که پیوسته تکرار می‌گردد. ثانیاً از مجموع شش روز آفرینش، تنها از دو روز مربوط به آفرینش خلقت زمین و دو روز مربوط به آفرینش آسمان‌ها یاد شده است. اما از دو روز باقیمانده که مربوط به آفرینش موجوداتی است که میان زمین و آسمان قرار دارند (مَا بَيْنَهُمَا)، سخنی به میان نیامده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۲۵). ثالثاً آیه از آغاز آفرینش سخن می‌گوید و در آن زمان، از فصل‌های چهارگانه خبری نبود. وانگهی فصول اربعه وقت خلق اقوات است، نه وقت تقدیر آن‌ها (قرشی، ۱۳۷۷،

ج ۹: ۴۱۱). رابعاً فصل‌های چهارگانه در برخی از مناطق کره زمین است، اما در برخی از قسمت‌های کره زمین، همچون مناطق نزدیک استوا، دو فصل وجود دارد، نه چهار فصل! مگر آنکه بگوییم قرآن بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی سرزمینی سخن گفته که در آن نازل شده که با توجه به اینکه از آغاز آفرینش سخن می‌گوید، نه ویژگی‌های منطقه‌ای خاص، بسیار بعید است.

صاحب تفسیر من وحی القرآن هم در مقام اشکال به علامه چنین می‌نویسد:

«کلام ایشان تفسیری زیبا و ظریف از آیه است و با اعتبارات عقلی سازگاری دارد، ولكن با سیاق آیه شریفه تطابق و همانگی ندارد و از ظاهر آیه به دور است؛ زیرا ظاهر و سیاق آیه بیانگر آن است که کلمه یوم در تمام موارد استعمال به یک معنا به کار رفته است. علاوه بر این، تفسیر ایشان مشکل تعارض و عدم جمع بین آفرینش آسمان و زمین در چهار روز را - که این تفسیر اقتضای آن را دارد - با آیاتی که دال بر خلقت زمین و آسمان در شش روز هستند، حل نموده است؛ والله العالم» (فضل الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۲۰: ۹).

پاسخ سوم

در آیه چهارم سوره فصلت، آنجا که روزهای آفرینش آسمان بیان شده، هیچ اشاره‌ای به اصل آفرینش آسمان نشده است، بلکه به روزهای منظم و محکم کردن آسمان‌های هفتگانه توجه شده است؛^۳ زیرا خداوند تصریح می‌کند که بعد از آفرینش زمین، «به آسمان رفت»^۴. معلوم است که باید ابتدا و پیش از رفتن به آسمان، آسمان آفریده شده باشد تا رفتن بدان مکان معنا داشته باشد (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۴۱۲).

افزون بر این، خداوند «هفتگانه کردن آسمان» را به عنوان حادثه‌ای پس از آفرینش زمین مطرح کرده است و مقدار دو روز را برای «هفتگانه کردن آسمان» آورده است، نه آفرینش اصل آسمان. در نتیجه، در این آیه هرگز بیان نشده است که آسمان به همراه طبقات هفتگانه‌اش در دو روز آفریده شده‌اند (ر.ک؛ مراغی، بی‌تا، ج ۲۴: ۱۱۳).

پاسخ چهارم

در تمام آیات هفتگانه‌ای که آفرینش زمین و آسمان را در شش روز بیان می‌دارد، از واژه «خلق» استفاده شده، ولی در چهار آیه سوره فصلت، از فعل «قضی» استفاده شده است. این دو واژه با یکدیگر تفاوت دارند. «خلق» به مفهوم آن است که چیزی را بدون سابقه پیشین به وجود آورده باشد و تأسیس نماید، ولی «قضی» به معنی محکم کردن می‌باشد (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۱۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۷ و ۴۰۶ و زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۲۴: ۱۹۷).

در نتیجه، در آیات چهارگانه سوره فصلت نیامده است که زمین و... در شش روز آفریده شده‌اند و ۲ روز هم به آفرینش آسمان‌ها اختصاص پیدا کرده است تا گفته شود: جمع بین شش و دو، هشت روز خواهد شد و در نتیجه، با دیگر آیات که مدت آفرینش آسمان و زمین را شش روز می‌داند، ناسازگار است، بلکه در آیات سوره فصلت، تنها به آفرینش زمین در دو روز و در ادامه، به استوار کردن کوه‌ها و اندازه‌گیری غذاها هم اشاره شده است (ر.ک؛ یضاوی، ۱۴۱۸ق: ۵: ۶۸) و هرگز درباره آفرینش آسمان سخنی به میان نیامده است. لذا می‌توان گفت قرآن در آیاتش نسبت به دو مطلب صراحت دارد: اولاً آفرینش زمین به تنهایی دو روز به طول انجامیده است. ثانیاً تمام زمین، آسمان‌ها و آنچه که در بین زمین و آسمان قرار دارد، در شش روز خلقت یافته‌اند و این دو مطلب هرگز با هم تنافی ندارند.

پاسخ پنجم

آیات هفتگانه‌ای که آفرینش زمین و آسمان‌ها را در شش روز معرفی کرده است، به آفرینش حقیقت زمین و آسمان‌ها با تمام اجزایشان اشاره دارد، حال آنکه آیات چهارگانه سوره فصلت، افزون بر یادکرد مدت زمان آفرینش زمین و آسمان‌ها، به اندازه‌گیری روزی زمینیان ﴿وَقَدَّرَ فِيهَا أَيَّامَهَا﴾ نیز اشاره دارد.

بنابراین، با در نظر گرفتن این امر که آفرینش زمین و آسمان‌ها با اجزای مربوط به خودشان حتماً در شش روز صورت پذیرفته‌است، می‌توان گفت: علاوه بر این شش روز، دو روز هم برای تقدیر اسباب رزق و روزی صرف شده‌است که ربطی به آفرینش زمین و آسمان‌ها ندارد (ر.ک؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲: ۱۷۸).

پاسخ ششم

در سوره اعراف، بیان آفرینش آسمان‌ها و زمین در شش روز گذشت و زمین به اعتبار وجود عینی‌اش در آن دو روز آفریده شده، لیکن به اعتبار وجود مطلق مانند آسمان‌ها در شش روز آفریده شده، آسمان‌های ارواح به اعتبار وجود عینی در چهار روز آفریده شده‌اند: روز نفوس جزئی، روز نفوس کلی، روز عقول و روز ارواح که از آن به یومین و دو روز تعبیر می‌شود، روز مدبر است، روز مجردات صرف یعنی نفوس و عقول به معنی اعم، اندازه‌گیری قوت و روزی‌های زمین و زمینیان، جز در آن ایام که همان ایام آسمان‌هاست، نمی‌باشد؛ چه از آسمان برای شما روزی نازل می‌شود (ر.ک؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۳)^۵.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد می‌توان پاسخ‌های اول و دوم را در قالب یک پاسخ بیان کرد. بدین صورت که آیات هشتگانه مربوط به آفرینش آسمان و زمین را این‌گونه تقسیم‌بندی نماییم: در چهار آیه (الأعراف/۵۴؛ یونس/۳؛ هود/۷ و الحديد/۴)، مدت آفرینش آسمان و زمین، شش روز بیان شده‌است. در سه آیه (فرقان/۵۹؛ السجده/۴ و ق/۳۸) بیان شده که آسمان، زمین و آنچه بین آن دو است، با هم در شش روز آفریده شده‌است و در یک مورد هم آمده که آسمان در دو روز و زمین هم در دو روز آفریده شده‌است.

بر پایه این تقسیم‌بندی، می‌توان نتیجه گرفت که جمع این آیات با هم قرینه هستند بر اینکه هر یک از آسمان و زمین به‌تنهایی در دو روز آفریده شده‌اند و دو روز هم برای

آفرینش کوه‌ها، غذاها، گیاهان و تقدیر اقوات بوده‌است که جمعاً شش روز می‌شود. بنابراین، آیات چهارگانه و نیز آیات سه‌گانه، مبین و از محکّمات می‌باشند که اجمال و شبهه موجود در آیه ۱۰ سوره فصلت را برطرف می‌نمایند که منظور از چهار روزها آفرینش گیاهان، حیوانات و غذاها نبوده، بلکه دو روز مربوط به آفرینش زمین و دو روز مربوط به آفرینش غذاها و گیاهان است.

البته جواب چهارمی که در بالا به آن اشاره شد، هم پاسخی پذیرفتنی است، مشروط بر اینکه نکته‌ای که در بالا بیان گردید، به آن ضمیمه شود و به این صورت مطرح شود که در تمام آیات هفتگانه‌ای که آفرینش آسمان‌ها و زمین را در شش روز بیان می‌دارد، از فعل «خلق» استفاده شده‌است، اما در آیات مورد بحث سوره فصلت، در بخش مربوط به آسمان‌ها، فعل «قضی» به کار رفته‌است و این دو واژه با هم تفاوت دارند؛ زیرا فعل «قضی» به معنا و مفهوم تحکیم می‌باشد نه آفرینش.

بنابراین، قرآن در این آیات تصریح نموده که زمین به‌تنهایی در دو روز خلق شده‌است و هیچ اشاره به خلقت آسمان و ما بین آن نکرده‌است که این امر را می‌توان از دیگر آیات قرآن به دست آورد و با استفاده از حمل مطلق بر مقید نتیجه گرفت که مجموع زمین، آسمان‌ها و ما بین آن‌ها در شش روز آفریده شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این شبهه را یوسف دره حداد مطرح کرده‌است (ر.ک؛ زمانی، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

۲- «سرت من البصرة إلى بغداد في عشرة و إلى الكوفة في خمس عشر» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۶ و ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸: ۱۷۴ و رازی، ۱۴۰۸ق.، ج ۱۷: ۶۱).

۳- آفرینش آسمان، مجموعه «خلق اصل آسمان + تنظیم آن به آسمان‌های هفتگانه» می‌باشد. دلیل این مدعی نیز همین مطلب است که خداوند در قرآن، ابتدا آسمان را خلق کرد و آنگاه زمین را خلق نمود و بعد به آسمان رفت و آن را به آسمان‌های هفتگانه مبدل ساخت (ر.ک؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۵: ۲۲).

۴- البته «رفتن خدا» کنایه از «به سراغ دیگری» رفتن است؛ چنانکه در استعمال‌های عرفی نیز شایع می‌باشد.

۵- البته فهم این پاسخ نیاز به تأمل در مبانی عرفانی در تفسیر دارد که از حوصله این جستار خارج است و تنها به منظور کامل‌تر شدن جواب‌ها به آن اشاره شده‌است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطیه. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن بابویه قمی (صدوق)، أبو جعفر محمد. (بی‌تا). *التوحید*. تصحیح و تعلیق سید هاشم حسینی طهرانی. قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی‌تا). *التحریر و التنویر*. ج ۱. بیروت: مؤسسة التاریخ.
ابن فارس، احمد. (۱۳۸۷). *معجم مقاییس اللغة*. ترتیب و تنقیح علی عسکری و حیدر المسجدی. ج ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. ج ۳. بیروت: دار صادر.
بلاغی، محمد جواد. (بی‌تا). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عم. (۱۴۱۸ق.). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

الجوهری، اسماعیل بن حماد. (بی‌تا). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. تحقیق احمد عبدالغفور. بی‌جا: بی‌نا.

حقی بروسوی، اسماعیل. (بی‌تا). *روح البیان*. ج ۱. بیروت: دارالفکر.

خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۵). *البیان*. ج ۴. بیروت: دار الزهراء للطباعة والنشر والتوزیع.

- رازی، ابوالفتح حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. چ ۲. بی‌جا: دفتر نشر کتاب.
- ربیع نتاج، علی اکبر. (۱۳۸۱). *نقدی بر ادعای تعارض در نصوص*. چ ۱. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- رضائی، محمدعلی. (۱۳۸۳). *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (علوم کیهان‌شناسی و ریاضیات)*. چ ۴. اصفهان: انتشارات امین.
- رکنی یزدی، محمد مهدی. (۱۳۷۹). *آشنایی با علوم قرآنی*. تهران: سمت.
- روحی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). *منطق مقدماتی*. بی‌جا: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق.). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*. چ ۲. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۰ق.). *البرهان فی علوم القرآن*. چ ۱. بیروت: دارالمعرفة.
- زمانی، محمد حسن. (۱۳۸۸). *آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غریبان*. چ ۱. قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چ ۳. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن. (۱۴۱۶ق.). *الإتقان فی علوم القرآن*. چ ۱. لبنان: دارالفکر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. تحقیق میرجلال الدین حسینی ارموی. چ ۱. تهران: دفتر نشر داد.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. چ ۲. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صحیفه سجادیه*. (۱۴۱۱ق.). تحقیق از سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی. چ ۱. قم: مؤسسه امام مهدی (ع).

- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمدبن علی. (۱۳۸۶). *الإحتجاج*. تعلیق سید محمدباقر خراسان. نجف اشرف: دار النعمان للطباعة والنشر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ق.). *مجمع البحرین*. ج ۲. تهران: مکتب النشر الثقافة الإسلامية.
- طوسی، أبو جعفر محمد. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق و تصحیح احمد حبیب فیض العاملی. بیروت - نجف اشرف: دار احیاء التراث العربی - مکتبة الأئمة.
- _____ . (۱۴۰۰ق.). *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*. تهران: منشورات مکتبه جامع چهل ستون.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۲. تهران: انتشارات اسلام.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *نور الثقلین*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. ج ۴. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عمید، حسین. (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی نوین*. ج ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غروی، محسن. (۱۳۸۸). *آموزش منطق*. قم: دارالعلم.
- فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. ج ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *العین*. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. ج ۲. بی جا: مؤسسه دارالهجرة.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر من وحی القرآن*. ج ۲. بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.

- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۸ق.). *الأصفي في تفسير القرآن*. تحقيق محمد حسين درايي و محمدرضا نعمتي. ج ۱. قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
- قدردان قراملكي، محمدحسن. (۱۳۸۱). *معجزة در قلمرو عقل و دين*. قم: بوستان كتاب.
- قرشي، سيد علي اكبر. (۱۳۷۷). *احسن الحديث*. ج ۳. تهران: بنياد بعثت.
- _____ . (بي تا). *قاموس قرآن*. تهران: دارالكتب الاسلامي.
- قمي مشهدي، محمدبن محمدرضا. (۱۳۶۸). *تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب*. ج ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.
- كاشاني، ملا فتح الله. (۱۳۳۶). *منهج الصادقين في إلزام المخالفين*. تهران: كتابفروشي محمدحسن علمي.
- گنابادي، محمد. (۱۴۰۸ق.). *بيان السعادة في مقامات العبادة*. ج ۲. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- المتقى الهندي، علاء الدين علي. (۱۴۰۹ق.). *كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال*. ضبط و تصحيح شيخ بكرى حياني و شيخ صفوة السقا. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- محقق حلي، جعفر بن حسن. (۱۴۲۱ق.). *المسلك في اصول الدين*. تحقيق رضا استادي. ج ۲. مشهد: مؤسسة الطبع التابعة للآستانة الرضوية المقدسة.
- مدرسي، سيد محمدتقي. (۱۴۱۹ق.). *من هدى القرآن*. ج ۱. تهران: دار محبي الحسين.
- مراغي، احمد بن مصطفى. (بي تا). *تفسير مراغي*. ج ۱. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- مصطفوي، حسن. (۱۴۱۶ق.). *التحقيق في كلمات القرآن الكريم*. ج ۱. تهران: مؤسسة چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- مظفر، محمدرضا. (۱۴۱۵ق.). *المنطق*. ج ۱۲. قم: انتشارات اسماعيليان.
- معرفت، محمد هادي. (۱۴۲۳ق.). *شبهات و ردود حول القرآن الكريم*. ج ۱. قم: مؤسسة فرهنگي انتشاراتي التمهيد.
- _____ . (۱۴۲۸ق.). *التمهيد في علوم القرآن*. قم: موسسه فرهنگي انتشاراتي التمهيد.
- _____ . (۱۴۲۲ق.). *تلخيص التمهيد*. ج ۱. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دار الکتب الإسلامية.
مؤدب، رضا. (۱۳۷۶). *اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام*. ج ۱. قم: انتشارات احسن الحدیث.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۹). *فرهنگ قرآن*. قم: بوستان کتاب.

